

بررسی تأثیر ناخودآگاه در شکل‌گیری هویت انسان (با تأکید بر

قرآن و روایات)

سروش شهریاری نسب*

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده علوم و فنون، تهران

فرزاد دهقانی**

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه علامه طباطبائی^(ه)، تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۷/۳۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۷/۱۴)

چکیده

رفتارهای بسیاری از ما تحت تأثیر انگیزه‌های مختلفی می‌باشد؛ انگیزه‌ی ناخودآگاه در واقع، یک عامل درونی است که برخی از رفتارهای انسان بر اساس همین نوع انگیزه رخ می‌دهد. در پی فهم اینکه فرایند درون‌سازی رفتار و ناخودآگاه چگونه می‌تواند زمینه‌گرایش‌های اعتقادی فرد را تحت تأثیر قرار دهند. در مرحله اول، با رویکردی دینی به بررسی تعاملات محیط و اثر آن بر تشکیل ناخودآگاه اقدام نموده، سپس عناصری چون خانواده، به عنوان ابتدایی‌ترین محیط تأثیرگذار بر ناخودآگاه و نیز گروه‌های مرجع و رسانه‌های جمعی را مورد توجه قرار داده‌ایم و در مرحله دوم، به هویت در حال ساخت با تأکید بر سه هویت اساسی و ارزشی «خانوادگی، جنسی، اعتقادی» متأثر از ناخودآگاه پرداخته شده است و از دیدگاه قرآن، نمونه‌هایی را از رویکردهایی اعتقادی که در تعاقب مراحل اول و دوم شکل می‌گیرند، بیان داشته‌ایم و در پایان، راهکارهایی را برای تشکّل هویت سالم کودکان ارائه می‌شود.

واژگان کلیدی: ناخودآگاه، هویت اعتقادی، درونی‌سازی، گروه‌های مرجع، رسانه‌های جمعی.

*E-mail: Soroush.t@chmail.ir

** E-mail: farzaddehghani91@yahoo.com (نویسنده مسئول)

مقدمه

تقسیم ذهن به خودآگاه و ناخودآگاه، فرض اساسی روانکاوی است و صرفاً بر مبنای این فرض است که روانکاوی به فرایندهای آسیب‌شناختی حیات روانی انسان پی می‌برد، بخش مهمی از آنچه هر فرد یاد می‌گیرد، از طریق درونی‌سازی است. مدل‌سازی ناخودآگاه یا تأثیرپذیری از محیط اطراف، از عوامل مؤثر برای شکل‌دهی رفتار و تفکر تعریف شده است. درونی‌سازی از طریق محیط اطراف، فرد را به تجزیه و تحلیل گفته‌ها و اعمال درون‌فکنی خود وامی‌دارد و این خود موجب می‌گردد که فرد نگرش‌ها، عقاید، ارزش‌ها و رفتار خود را درونی کرده، تغییر ندهد و خود را هرچه بیشتر به الگوی مورد نظر شبیه و همانند می‌سازد.

عوامل متعددی در شکل‌گیری هویت اعتقادی نوجوانان دارای نقش و اهمیت هستند. از جمله این عوامل می‌توان به خانواده، مذهب، مدرسه، محل زندگی، نهادهای اجتماعی و مذهبی و رسانه‌های گروهی اشاره کرد. ولی تمام این اثرات زمینه‌فرایند درون‌سازی به‌شمار می‌روند. به نظر می‌رسد که از میان عوامل یاد شده، خانواده از اهمیت بیشتری برخوردار باشد؛ زیرا خانواده محیطی است که در آن، کودک چشم به دنیا می‌گشاید، تحوّل خود را آغاز می‌کند، شخصیت او پایه‌ریزی می‌شود و سعادت یا شقاوت وی ریشه می‌گیرد.

۱- مفهوم‌شناسی

۱-۱) ناخودآگاه

«ناخودآگاه» منبع انرژی است که احساسات و افکار انسان را تغذیه می‌کند. آرزوها، خواسته‌ها و امیال، پس رانده و فراموش شده در این بخش شخصیت انباشته می‌شود، اما پیوسته کوشش دارند که به ناحیه خودآگاه نفوذ کنند؛ یعنی خود را در افکار و رفتار ما جای دهند. تمام عقایدی که خودآگاه آن را تصویب نمی‌کند، به بخش ناخودآگاه رانده می‌شوند (ر.ک؛ مینجر و همکاران، ۱۳۷۰: ۱۷). دو گونه ناخودآگاه داریم: یکی ناخودآگاه نهفته که [به سهولت] خودآگاه می‌گردد و دیگر، ناخودآگاه سرکوب‌شده که به خودی خود و بدون دشواری، خودآگاه نمی‌شود. این بینش

درباره پویش ذهن، خواه ناخواه بر نحوه توصیف ذهن و نیز اصطلاحاتی که به این منظور به کار می‌بریم، تأثیر می‌گذارد. ناخودآگاه نهفته را که فقط به مفهومی توصیفی ناخودآگاه است و نه به مفهومی پویش‌شناسانه، «نیمه‌آگاه» می‌نامیم. هر آنچه سرکوب شده است، در ضمیر ناخودآگاه جای دارد، اما هر آنچه در ضمیر ناخودآگاه جای گرفته است، سرکوب شده نیست (پاینده، ۱۳۷۳: ۲۲۹-۲۵۲). این منبع عظیم و قوی انرژی، ذخایر خود را از فضای بیرون دریافت می‌کند. لذا در این پژوهش به فضاشناسی آنها می‌پردازیم.

۲-۱) هویت

دوره نوجوانی، دوره انتقال از کودکی به بزرگسالی است. در این ایجاد یک هویت منسجم و دستیابی به تعریف مناسبی از خود، مهم‌ترین جنبه روانی - اجتماعی است. هویت یک فرایند راهبردی زمان‌بر است و فرد در طی یک راهبرد طولانی، از دوران کودکی با تأثیرپذیری ناخودآگاه از عوامل و شرایط مختلف به سازمان‌دهی آن اقدام می‌کند. شخصیت یا همان هویت، شامل آموخته‌ها (فرایندهای تفکر)، هیجانات و عواطف (فرایندهای احساس) و رفتارهای شهودی است. در سال‌های کودکی و نوجوانی، خانواده بیشترین تأثیر را در شکل‌گیری هویت را بر عهده دارد و در واقع، پایه‌های اولیه شکل‌گیری هویت را والدین و اطرافیان فرد بنا می‌کنند (ر.ک؛ سیاسی، ۱۳۸۳: ۸۱).

جرج هربرت مید، پرچمدار نظریه هویت اجتماعی است. وی معتقد است که هویت از طریق سازماندهی نگرش‌های فردی، نگرش‌های سازمانی سازمان‌یافته اجتماعی یا گروهی شکل می‌گیرد (ر.ک؛ آموسی، ۱۳۹۰).

۲- شناخت چهارچوب بحث

انسان سه مکانیزم را برای شکل‌دهی شخصیت خود به کار می‌برد که عبارتند از: ۱- درونی کردن (مرحله اول). ۲- تثبیت هویت (مرحله دوم). ۳- تصعید یا والایش (مرحله سوم؛ تعالی بخشیدن (ر.ک؛ زنده باد، ۱۳۸۹: ۱۷). محور بحث حاضر، مرحله ابتدایی این فرایند می‌باشد. گذار

از این مراحل موجب شکل‌گیری هویت فرد می‌شود. این شخصیت افراد است که رفتار را طبق انگیزه وی شکل می‌دهد. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ...﴾ بگو هر کس طبق روش (و خلق و خوی) خود عمل می‌کند ﴿(الإسراء/ ۸۴).

در شکل‌گیری هویت اعتقادی، عناصر پیدا و پنهان بسیاری مؤثر هستند، لذا این مقوله مؤلفه‌های متعددی دارد؛ مثل: خانواده، قشر و طبقه اجتماعی، گروه دوستان، آموزش‌های رسمی یا غیررسمی، اسطوره‌ها، تاریخ، دین، زبان، سنت‌ها، میراث‌های فکری و فرهنگی، گروه‌های مرجع، ساختار اجتماعی، رسانه‌های جمعی، و ده‌ها عامل دیگر که هر یک می‌تواند به نوعی و تا حدی در تکوین هویت فرد تأثیر بگذارد و فرد به درون‌سازی آن بپردازد و این تأثیر همواره یکسان و به یک اندازه نیست. گاهی یک مؤلفه چنان اهمیت پیدا می‌کند که دیگر مؤلفه‌ها را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد و به همین ترتیب، هر عامل دیگر می‌تواند در موقعیت زمانی یا مکانی خاص اهمیت پیدا کند که زمینه‌های درون‌سازی افراد را شکل می‌دهند. در این پژوهش، از میان عوامل مذکور، خانواده را به عنوان گروه مرجع مورد بررسی قرار می‌دهیم و تأثیرهای احتمالی آن در درون‌سازی هویت افراد و بالأخص هویت اعتقادی را در طی دو مرحله درون‌سازی و تشکیل هویت مورد تأکید قرار می‌دهیم.

۳- فرایند رفتار فردی

۳-۱) مرحله اول درون‌سازی

کودک اعمالی مانند راه رفتن، غذا خوردن، خوابیدن و بسیاری از حرکات زندگی را به‌وسیله تقلید یا درون‌سازی یاد می‌گیرد و به همین ترتیب، کم‌کم بزرگ می‌شود. اگر این پرورش و بزرگ شدن، به شعور حیوانی، جریان طبیعی و تصادمات زمان واگذار گردد، بچه مانند درخت خودرو پرورش می‌یابد و چون گل‌های بیابان فاقد ارزش بوده، ابتکار و شخصیت در چنین کودکانی یافت نخواهد شد (ر.ک؛ رشیدپور، ۱۳۸۵: ۹۲). البته بسیاری از رفتارها ممکن است با پرورش یافتن شخصیت او، در درونش تثبیت یا سرکوب و رها شود. در ادامه، به بررسی منابع درون‌سازی و تأثیر آن بر شکل‌گیری هویت‌های متفاوت می‌پردازیم.

۳-۱-۱) بررسی تعامل محیط و ناخودآگاه

پس‌زمینه‌های اجتماع، خانواده، رسانه‌های جمعی و... به عنوان فضاهای دورنی‌سازی رفتار شناخته می‌شوند. تحقیقات نشان داده که انسجام روانی فرد، وابسته به تماس مناسب وی با محیط خارج و سطوح مناسب تحریکات است که دریافت می‌دارد. البته انباشتن اطلاعات و تحریکات زیاد و متعدّد، ممکن است به استعداد روانی شخص آسیب رساند و موجب کاهش انسجام روانی و اعتقادی وی می‌گردد (ر.ک؛ آزاد، ۱۳۸۹: ۶۸) و خودباوری خویش را از دست می‌دهد و برعکس آن نیز صادق است. کودکان هرگاه شخص دیگری آنها را باور کند، خودشان را باور خواهند کرد. کودکانی که فاقد خودباوری باشند، مملوّ از شک و تردید نسبت به خود هستند (ر.ک؛ الیزابت، هارتلی - پروئر، ۱۳۹۰: ۸۱).

الف) خانواده

انسان موجودی اجتماعی است و یادگیری و ادراک او تحت تأثیر عوامل فردی و محیطی تشدیدکننده یا بازدارنده قرار می‌گیرند (ر.ک؛ فیضی، ۱۳۸۵: ۱۴۵). متأسفانه انسان افکار بازدارنده و باورهای محدودکننده بسیاری دارد که گاه ضعیف و گاه نیرومند هستند، اما در - ناخودآگاه - ذهن ما حضور دارند و برخی رفتارهای ما را شکل می‌دهند (ر.ک؛ اسلامی، ۱۳۸۳: ۱۳۱).

نظریه تحلیل روانی، مبداء ارزش‌های اخلاقی را اجتماعی و بیرونی می‌داند و در باب چگونگی درونی شدن آنها نیز به همانندسازی، یعنی جریان پویا - ولی ناخودآگاه، انتقال ارزش‌ها از خانواده به نظام درونی فرد استناد می‌کند و نیز طبق دیدگاه یادگیری اجتماعی و به اعتقاد آرون فرید رفتار کودک خردسال مستقیماً تحت تأثیر تجربیات او با حوادث خارجی و عناصر و عوامل اجتماعی‌ساز است و طبق همین نظریه، مشاهده، تقلید همانندسازی به عنوان عناصر اساسی در شکل‌گیری رفتار فرد مؤثر است. همان عنصری که در رفتار اعراب جاهلی مشاهد می‌شد و به عقیده آنها بسیاری از رفتارها از طریق مشاهده دیگران و تقلید از آنها اخذ می‌شوند. نمونه واضح آن، آیه ۱۷۰ سوره بقره است: ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْلَوْكَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئاً وَلَا يَهْتَدُونَ﴾ و هنگامی که به آنها گفته شود از آنچه خدا نازل کرده

است، پیروی کنید! می‌گویند: نه، ما از آنچه پدران خود را بر آن یافتیم، پیروی می‌نماییم. آیا اگر پدران آنها، چیزی نمی‌فهمیدند و هدایت نیافتند ﴿ و هنگامی که به آنان (کافران) گفته شود: «از آنچه خدا نازل کرده است (از اسلام و قرآن) پیروی کنید»، می‌گویند: «نه، ما تنها از آیینی پیروی می‌کنیم که پدران خود را بر آن یافتیم». حتی اگر پدرانشان بی‌خرد و گمراه بوده‌اند [آیا باز هم باید از آنان پیروی می‌کردند؟! (ر.ک؛ محسنی، ۱۳۷۱: ۱-۳۰).

خانواده به عنوان یک کانون مهم و حیاتی می‌تواند در فرایند رشد و تربیت اعضای خانواده، خصوصاً کودکان، نوجوانان و کم‌سن‌وسال‌ها تأثیر بسزایی داشته باشد. تا جایی که رعایت اصول صحیح تربیتی در خانواده، زمینه‌ساز رشد و بالندگی فرزندان و موجب استحکام پایه‌های اعتقادی ایشان می‌گردد. محیط پیرامونی و خصوصاً اعضای خانواده می‌توانند ارزش‌های خود را به کودک منتقل کنند و برداشتهایی را که از موقعیت‌هایی فکری و معنوی دارند، به او انتقال دهند. وقتی کودک در محیطی رشد کند که در آن فعالیت‌های مناسب و دلخواه او باشد. طبعاً از امتیازاتی برخوردار خواهد بود که بسیاری از کودکان از آن محروم هستند (هاو، ۱۳۸۰: ۳۷). خانواده به عنوان ابتدایی‌ترین محیط اجتماعی فرد نفوذ عظیمی در شخصیت او دارد. نخستین بستر تقویت روحیه عبادت، به‌ویژه نماز در انسان، خانواده است. خانواده، به‌ویژه والدین، نخستین مرکز و کانون تعلیم و تربیت فرزندان است. اگر فرزند در خانواده‌ای رشد یابد که به دین و احکام عملی آن به صورت جدی اهتمام می‌ورزند و به آموزه‌های آن از روی اخلاص و صداقت گردن می‌نهند، امید بیشتری می‌رود تا فرزندشان نیز به آموزه‌های دینی احترام گذارد.

تعلیم و تربیتی که پدر و مادر در خانه نسبت به او اعمال می‌کنند و یا در خارج خانه برای او فراهم می‌آورند، سنگ زیرین بنای شخصیت او را تشکیل می‌دهند (ر.ک؛ توسلی و فاضل، ۱۳۸۱: ۱۱۵-۱۴۷).

اهمیت این امر را در تربیت آداب ملاقات با پدر و مادر که در آیه زیر آمده است، می‌توان مشاهده کرد: ﴿... ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ... در سه وقت باید از شما اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح، و نیمروز هنگامی که

لباس‌های (معمولی) خود را بیرون می‌آورید، و بعد از نماز عشا؛ این سه وقت خصوصی برای شماست؛ اما بعد از این سه وقت، گناهی بر شما و بر آنان نیست (که بدون اذن وارد شوند) و بر گرد یکدیگر بگردید ﴿التور/۵۸﴾ همچنین در حدیثی از امام کاظم^(ع) به نوع برخورد با کودکان اشاره شده است و می‌فرماید «قَالَ بِرُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا إِلَيْهِمْ فَإِنَّهُمْ يَطْنُونَ أَنْكُمْ تَرُزُقُونَهُمْ: به فرزندانتان خوبی کنید و به آنان نیکی نمایید؛ زیرا آنان گمان می‌کنند که شما ایشان را روزی می‌دهید» (مجلسی، ۱۳۶۵، ج ۷۱: ۷۷). یا طبق روایتی از پیامبر گرامی اسلام^(ص) در باب اهمیت اطرافیان بر شکل‌دهی به رفتار انسان می‌فرماید: «جَالِسُ الْأَبْرَارِ فَإِنَّكَ إِذَا فَعَلْتَ خَيْرًا حَمَدَكَ وَ إِنُّ أَحْطَاتُ لَمْ يَعْنَفُوكُ: با نیکان مجالست کن؛ زیرا اگر که تو کار خیری را انجام می‌دهی، تو را ستایش کنند و اگر خطایی کنی، با تو به سختی رفتار نکنند» (ابی‌فراس، ۱۳۷۶، ج ۲: ۱۲۱).

اولین الگوهای رفتاری را خانواده به کودک ارائه می‌دهد. ضعف مبانی اخلاقی و ایمانی از یک سو، و شهوت‌رانی‌های بی‌حساب و غیرمشروع و رفتاری‌های دنیای ماشینی از سوی دیگر، می‌تواند بر رفتار آینده کودک تأثیر گذارد. پس از والدین، شخصیت‌هایی که نفوذ معنوی دارند، نقش الگویی بسزایی در تربیت بازی می‌کنند، به گونه‌ای که تمام ویژگی‌های فکری، روحی و جلوه‌های رفتاری آنان مورد تقلید قرار می‌گیرد و این کودک است که در برابر گستره عظیمی از شهوت‌ها به‌وسیله والدین و جهان بیرون قرار گرفته است.

هرچه قدرت نفوذ الگوها بیشتر و زمینه پذیرش آماده‌تر باشد، نمونه‌برداری کامل‌تر صورت می‌گیرد. از امیرمؤمنان^(ع) روایت شده است که فرمود: «النَّاسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ: مردم به زمامداران خود شبیه‌ترند تا به پدران خود» (حرانی، ۱۴۰۴ق: ۲۰۸). قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاَهَا تَدْمِيرًا: و هنگامی که بخواهیم شهر و دیاری را هلاک کنیم، نخست اوامر خود را برای مترفین آنجا، بیان می‌داریم، سپس هنگامی که به مخالفت برخاستند و استحقاق مجازات یافتند، آنها را به شدت درهم می‌کوبیم﴾ (الإسراء/ ۱۶). با توجه به این آیه شریفه، قدرت نفوذ الگوها و بزرگان مشهود است، به گونه‌ای که وقتی آنان دچار فساد می‌شوند، زیردستانشان از آنان تقلید و الگوبرداری

می‌کنند و تباه می‌شوند. به همین دلیل است که نقش الگوها، حساس‌ترین نقش تربیتی است، تا جایی که الگوهای صالح، مردم را به اصلاح می‌رسانند و الگوهای فاسد مردم را به فساد می‌کشانند.

ب) گروه‌های مرجع

در دومین مرحله از فرایند درون‌سازی بعد از خانواده، به یکی دیگر از منابع مؤثر بر شکل‌گیری رفتار، گروه مرجع است که گروهی است عقاید، اعمال و رفتارهایش مورد توجه، اعتماد و عمل اعضای خودش یا سایر کسانی است که احتمالاً در آن گروه، حتی عضویت ندارند. در واقع، «گروه مرجع لزوماً گروهی نیست که فرد بدان تعلق داشته باشد، اما به هر حال، در آرزوی عضویت یا تداوم عضویت خویش در آن است» (ر.ک؛ ساروخانی، ۱۳۷۰: ۳۶۰). در تأثیر گروه مرجع (همنشین)، امام امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب^(ع) با بیان گویای خود می‌فرماید: «فَمَنْ اشْتَبَهَ عَلَيْكُمْ أَمْرُهُ وَ لَمْ تَعْرِفُوا دِينَهُ فَانظُرُوا إِلَى خُلَطَائِهِ فَإِنْ كَانُوا أَهْلَ دِينِ اللَّهِ فَهُوَ عَلَى دِينِ اللَّهِ وَ إِنْ لَمْ يَكُونُوا عَلَى دِينِ اللَّهِ فَلَا حَظَّ لَهُ فِي دِينِ اللَّهِ: هرگاه وضع کسی بر شما مشتبه شد و دین او را نشناختید، به دوستانش نظر کنید. اگر اهل دین و آیین خدا باشند، او نیز پیرو آیین خداست و اگر بر آیین خدا نباشند، او نیز بهره‌ای از آیین حق ندارد» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶: ۲۶۵).

از نمونه‌های قرآنی گروه‌هایی که با عقاید و رفتارهایشان مورد اعتماد و مرجع عمل افراد قرار گرفته‌اند، می‌توان اشاره کرد به قوم موسی که تحت تأثیر سامری قرار گرفتند و رفتارهای سامری مورد توجه سپس اعتماد آنها قرار گرفت و از دین موسی گریختند (ر.ک؛ طه/ ۸۵ - ۸۸) و نیز دوزخیان که عذر به درگاه خدا می‌برند و دوستان ناشایست را عامل دین‌گریزی خود معرفی می‌کنند: ﴿يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا: ای وای، کاش فلانی را دوست [خود] نگرفته بودم﴾ (الفرقان/ ۲۸). این آیه بیانگر آن است که دوستی آنها محل اعتماد و عمل آنها شده بود. افزون بر این، در آیه‌ای دیگر می‌فرماید ﴿وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ: و پیوسته با اهل باطل همنشین و همصدا بودیم﴾ (المدثر/ ۴۵).

چنان که دوستان و مرتب‌ان در گریزان کردن دینداران از دین خویش سهم دارند، در نپذیرفتن دین حق از سوی ایشان نیز نقش‌آفرین هستند. در دوران نوح، گروه مرجع کافران چنان اعتماد

راسخی در فرزند نوح ایجاد کرده بود که راه حق را نپویید و تحت تأثیر محیط و دوستان از دین گریخت و از شمار خاندان و نجات‌یافتگان بیرون رفت: ﴿قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعْطِكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ﴾ فرمود: ای نوح! او از اهل تو نیست! او عمل غیر صالحی است! پس آنچه را از آن آگاه نیستی، از من نخواه! من به تو اندرز می‌دهم تا از جاهلان نباشی! ﴿(هود/ ۴۶).

ج) رسانه‌های جمعی

یکی از خاستگاه‌هایی که هنجارها و ارزش‌ها از آنجا نشر و اشاعه پیدا می‌کنند، رسانه‌های جمعی، مانند رادیو، تلویزیون و مطبوعات هستند. ساده‌ترین الگوی پیام‌رسانی از یک طیف سه‌درجه‌ای تشکیل شده است: یک سوی آن، فرستنده پیام، طرف مقابل، گیرنده پیام و در حدّ وسط آن، پیام یا متن قرار دارد. نکته اصلی اینجاست که پیام لزوماً آن چیزی نیست که مورد نیاز گیرنده پیام است، بلکه فرستنده پیام، نوعی پیام را انتخاب می‌کند و طبیعتاً فرستنده بر اساس خواست‌ها، علائق و سیاست‌های کلان آن فرهنگ، پیام را ارسال خواهد کرد. گاهی فرستنده برای گیرنده پیام، نیازسازی می‌کند و نیازهای جدیدی را برای او تعریف می‌کند (ر.ک؛ حاجی حسینی، ۱۳۸۵: ۴). تمام عناصر ارسال پیام، متن پیام، انتخاب پیام، نیازسازی جدید و... از طریق ناخودآگاه فرد و با درون‌سازی در این بخش و علایق و سلايق جدید شکل می‌گیرد.

مفهوم دیگری که در تأیید گفته‌های فوق می‌توان مؤثر واقع شود، مبحث خلسه رسانه‌ای است. خلسه رسانه‌ای عبارت است از یک حالت القایی در هشیاری فرد که در آن حالت، فرد به تلقینات هیپنوتیزم‌کننده، با ایجاد تغییرهایی در ادارک، تفکر و رفتار خود واکنش نشان می‌دهد (ر.ک؛ بخشایش اردستانی، ۱۳۸۷: ۲۲). گرچه رسانه‌های جمعی و فناوری‌های ارتباطی و اطلاع‌رسانی، بشر امروز را با گستره مبسوطی از افکار مختلف که در بر دارنده «هویت‌های مجازی» گوناگون است، مواجه کرده است، توصیه دین در این موارد، تأکید بر «قدرت‌گزینش» انسان و اختیار فطری او و پرهیز او از پذیرفتن «هویت‌های مجازی» غیرواقعی است که با «فطرت بشری» و «علت‌غایی» دین منافات دارد.

استفاده افراد از انواع ابزارهای الکترونیکی نظیر اینترنت، ماهواره و رایانه، باعث گسترش «الگوهای رفتاری» مشابهی از طریق وام‌گیری و درون‌سازی رفتار در سطح جهان شده است، فرهنگ فعلی حاکم بر انواع ابزارهای ارتباطی، به‌ویژه اینترنت و ماهواره، برای کاربران که بنیه فکری قابل توجهی نداشته باشند، «هویت‌زا» می‌باشد و ناخودآگاه افراد مملو از هوسرانی و جذابیت‌های جنسی می‌کند، چراکه «ارزش‌های زندگی» که دین مطرح می‌کند، بر آن حاکم نیست. «هویت انسانی» قربانی «هویت رسانه‌ای و ماشینی» شده است. تبلیغات سوء، مانند همجنس‌بازی و اشاعه و گسترش بی‌بندوباری و تولید و تبلیغ نظریات لیبرالیستی - جنسی از طریق رسانه‌های جهانی و... از جمله عوامل ایجاد آسیب‌های انگیزه جنسی هستند.

هجوم رسانه‌ای شدید بر تبلیغ روابط جنسی آزاد، یکی دیگر از عوامل هنجارشکنی می‌باشد. اشاعه روابط جنسی آزاد با امکانات گسترده اقتصادی، رسانه‌ای و اطلاع‌رسانی، به طرح و توسعه بی‌بندوباری‌هایی می‌پردازد که دین آنها را بر نمی‌تابد. این مسئله نیز هشداردهنده است که بسیاری از پسران و مردان جوان، قبل از برقراری رابطه نامشروع جنسی، تصاویر مستهجن فراوانی تماشا می‌کنند. واضح است که تصاویر مستهجن، به میزان مختلف هم به زنان و هم به مردان آسیب می‌رساند (ر.ک؛ وندی و ناسی، ۱۳۸۹: ۴۵). این در حالی است که علی^(ع) فرموده است: «إِذَا أَبْصَرْتَ الْعَيْنَ الشَّهْوَةَ عَمِيَ الْقَلْبُ عَنِ الْعَاقِبَةِ». بدین معنی که «هرگاه ببیند چشم شهوت را، یعنی چیزی را که خواهش و هوس آن باشد، کور گردد دل از عاقبت؛ یعنی از نظر در عاقبت آن و تأمل در عذاب و عقاب یا مفسد دیگر که بر آن مترتب گردد. پس آدمی به قدر مقدور باید که چشم خود را نگاه دارد از نظر در آنچه خواهش آن کند» (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۳: ۱۳۷). آنها با ناکارآمد نشان دادن دین و به چالش کشیدن باورها، رفتارها و مناسک دینی و برنامه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای جذاب و در عین حال، هدفمند، دین را افیون ملت‌ها، عامل عقب‌ماندگی، انحطاط و استبداد معرفی می‌کنند.

۴- مرحله دوم شکل‌گیری هویت

۴-۱) هویت خانوادگی

چنان‌که قبلاً اشاره شد، از نظر روانشناسی، مرحله اصلی فرایند اجتماعی شدن کودک، از خانواده شروع می‌شود. خانواده در شکل‌گیری نگرش‌ها، ارزش‌ها و باورداشت‌های کودکان نقش اصلی را بر عهده دارد و بر نوع روابط فرد با عوامل و نهادهای اجتماعی دیگر تأثیر می‌گذارد.

این امر از هنگام تولد و زمانی آغاز می‌شود که پدر و مادر با «نامگذاری» کودک خود، جایگاه یا موقعیت ویژه‌ای به فرزند خود می‌دهند. از آن پس، با رشد تدریجی کودک طی چند سال، تعلقات خانوادگی او بیشتر و بیشتر می‌شود تا به نوجوانی برسد. در آغاز نوجوانی، شخص می‌تواند به راحتی موقعیت خود را در میان خانواده خویش (هویت خانوادگی) و نیز موقعیت خانواده خود را در جامعه تشخیص دهد و بر این اساس، احساس تشخیص فردی و اجتماعی کند (ر.ک؛ سبحانی جو، ۱۳۸۳: ۳۸-۴۹). مینوچین نیز خانواده را کانون شکل‌گیری هویت فرد قلمداد می‌کند و آن را خاستگاه هویت انسان می‌داند. او معتقد است که احساس هویت متکی بر دو رکن است: یکی احساس تعلق و دیگری مجزاً بودن. وی خانواده را آزمایشگاهی می‌داند که این دو جز در آن با هم مخلوط و نسخه‌پیچی می‌شوند (ر.ک؛ مینوچین ۱۳۷۵: ۱۳۵). بنابراین، می‌توان ادعا کرد که تمام مقولات گوناگون تحول انسان عمیقاً تحت تأثیر محیط خانواده هستند.

طبق روایات، انتخاب الگو از همان سنین کودکی آغاز می‌گردد. پایه‌های هویت خانوادگی، حتی هویت اعتقادی را شکل می‌دهد. همان‌گونه که پیامبر گرامی اسلام (ص) فرموده است: «الْوَلَدُ سَيِّدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ عَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ وَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ...: فرزند آدمی در هفت سال اول زندگی، آقا و سید پدر و مادر، در هفت سال دوم، بنده فرمانبردار و مطیع آنها و در هفت سال سوم، وزیر خانواده و مشاور ایشان است» (طبرسی، ۱۳۷۰، ج ۱: ۲۲۲). با بررسی گفتار پیامبر گرامی اسلام، متوجه مطابقت علم روانشناسی امروز با کلام ایشان می‌شویم. در مرحله دوم دوره اطاعت که کودک با رشد همه‌جانبه‌اش طبق یافته‌های علمی (پیاژه) از ناپیروی و عدم اطاعت از دیگری و فرمانبرداری از پدر و مادر و الگوهای والدین می‌رسد. در اثر رشد عقلانی - عاطفی و به وجود آمدن وجدان اخلاقی و

نیز برای تکوین شخصیت خود از الگوهای والدین تبعیت می‌کند. مشخصه این دوره، کلماتی چون اطاعت، عبادت، ادب کردن و تعلیم و تربیت می‌تواند باشد (ر.ک؛ قریشی‌راد، ۱۳۷۶: ۳۷-۳۸).

کودکان همواره از کسانی که مزایای برتری دارند و مورد توجه آنها هستند و به آنان علاقه‌مندند، تقلید می‌کنند و در نحوه اعمال و رفتار، آنان را الگو و اسوه خویش قرار می‌دهند و دوست می‌دارند. خصوصیات زندگی ایشان را مد نظر داشته باشند و از آن پیروی نمایند. این تقلید و الگوبرداری از والدین، در یافتن هدایت خانوادگی او کمک می‌کند. تقلید از الگو تا وقتی که افراد به سنی رسیده‌اند که خوب و بد، مقبول و نامقبول، سره و ناسره را تشخیص دهند، ادامه دارد، اما هنگامی که قوای فکری و روانی آنان به مرحله‌ای از رشد برسد که بتواند آگاهانه در مسیر تکامل گام بردارند، با توجه به زمینه‌ای که از پیش برای خود فراهم آورده‌اند، اشخاصی را که به نظر آنان برجسته می‌نمایند و رفتار و کردار و افکارشان را پسندیده‌اند، الگو و اسوه خویش قرار می‌دهند و این کار از راه‌های یادگیری و تکامل به شمار می‌رود (ر.ک؛ صاعی، ۱۳۷۹: ۷-۲۴). لذا والدین باید الگوهایی برای فرزندان خود باشند.

در قرآن مجید، از پیشوایان جور سخن به میان آمده است و یادآوری شده که آنان پیروان خود را تباه ساخته، به ضلالت و گمراهی می‌کشند. درباره فرعون و گروه او چنین آمده است: ﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ﴾ و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به آتش (دوزخ) دعوت می‌کنند و روز رستاخیز باری نخواهند شد! ﴿(القصص / ۴۱). هویت خانوادگی برای او به صورتی پایدار و دائمی و در تمام عمر وجود دارد. با این حال، کمال یافتن آن در مورد همه افراد یکسان نیست. بی‌تردید در خانواده گسترده که در آن پیوندهای خانوادگی، وسیع‌تر و بیشتر است و خانواده از پشتوانه فرهنگی، حتی قومی قوی‌تر برخوردارند، یا در خانواده‌هایی که پدر و مادر به تربیت فرزندان خود بیشتر اهمیت می‌دهند و برای شخصیت آنها اعتبار ویژه‌ای قائل هستند، هویت خانوادگی پایدارتر و از ثبات و استحکام بیشتری نیز برخوردار است (ر.ک؛ ربانی، ۱۳۸۱: ۲۶-۲۷).

۲-۴) اختلال هویت جنسی

هویت جنسی حالتی روانشناختی است که احساس درونی شخص را از مرد یا زن بودن مشخص می‌کند و گاه در افراد فرق گذاشته، در رفتارهای مردانه یا زنانه خود دچار بی‌تفاوتی و یا سردرگمی می‌شوند. این رفتار که جز آسیب‌های رفتاری جنسی است، ریشه در محیط اجتماعی، خانواده و در نتیجه، در بلوغ زودرس دارد. هویت جنسی از طریق تمایل به جنس مخالف شکل می‌گیرد و آمادگی برای ازدواج به وجود می‌آید. در صورتی که تمایلات جنسی از طریق ازدواج به شیوه‌های صحیحی ارضا شود، سلامت روانی پدید می‌آید و در غیر این صورت، ممکن است به انحراف جنسی بینجامد (ر.ک؛ کچباف، ۱۳۸۴: ۱۱۳-۱۴۴).

فرد در تعاقب شناخت فرایند ناخودآگاه و درون‌سازی رفتار، از نقش جنسی خود به عنوان دختر یا پسر به ایفای نقش می‌پردازد. اما چه زمانی فرد متوجه تفاوت‌های جنسی می‌شود؟ طبق دیدگاه فروید، شروع کنجکاوی‌های جنسی، هنگامی است که کودکان پیش‌دبستانی از تحریک اندام تناسلی لذت می‌برند (از سنین ۳-۶ سالگی) و تعارض ادیپ دربارهٔ پسرها و تعارض الکترا دربارهٔ دخترها ایجاد می‌شود (ر.ک؛ برک، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۶).

کنجکاوی‌های جنسی در سنین کودکی همچنان ادامه دارد و گاهی به بلوغ زودرس ختم می‌یابد. این پدیده (بلوغ زودرس) از دیگر ارمغان‌های جهانی شدن برای دنیای جدید است. رسانه‌های جهانی با بمباران اطلاعاتی کودک و نوجوان و آگاهی دادن فزاینده به او، یکباره او را در مقابل مجهولاتی قرار می‌دهند که اقتضای سنی او نیست. باید مراقب درون‌سازی‌های کودکان خود بود، چراکه محیط پیرامونی، به‌ویژه رسانه‌ها به فرایند هویت‌پذیری آنها در تعاقب ناخودآگاه سرعت می‌بخشند. به‌گونه‌ای که مشهود است، یکی از مسائل مهم در این باب، بلوغ جنسی زودرس کودکان است که از طریق این رسانه‌ها ایجاد می‌شود. در نتیجه، آنچه مقتضای هویت جنسی و شرعی کودک نیست، رخ می‌دهد. این پدیده خود موجب اختلال در رفتار و یا نبود تمایل به رعایت هنجارهای اجتماعی می‌شود. با گرایش به هواپرستی، حتی کودکان نیز از آسیب‌های آن در امان نیستند و تأثیر خود را بر آنان نیز می‌گذارد. در اجتماعی که عرضهٔ جاذبه‌های جنسی، حریم شریعت را برنتابد، کودکان دچار بلوغ جنسی زودرس می‌شوند و در نتیجه، فاصلهٔ بین رشد جنسی

با رشد فکری زیاد می‌گردد. لذا برخی مدتها پیش از بلوغ فکری و تشکیل هویت جنسی متناسب با اجتماع به رفتار جنسی نسنجیده و نابخردانه اقدام می‌نمایند. محصول این روابط، امروزه برای جامعه غربی سقط جنین‌های پی‌درپی نوجوانان و وجود فرزندان نامشروع است (ر.ک؛ وندی و نانسی، ۱۳۸۹: ۲۹۱). این اختلالات جنسی در آخرالزمان به اوج خود می‌رسد امام باقر^(ع) می‌فرماید: «يَخْرُجُ قَائِمُكُمْ قَالَ إِذَا تَشَبَّهَ الرَّجَالُ بِالنِّسَاءِ وَ النِّسَاءُ بِالرِّجَالِ وَ اَكْتَفَى الرَّجَالُ بِالرِّجَالِ وَ النِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ وَ رَكِبَ ذَوَاتُ الْفُرُوجِ السُّرُوحَ...: آنگاه که مردان به زنان تشبیه کنند و زنان به مردان، و مردان به مردان اکتفا کنند و زنان به زنان، و صاحبان فرج بر زین‌ها سوار شوند...» (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۱: ۳۳۱). علی^(ع) نیز می‌فرماید: «يُظْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَ اقْتِرَابِ السَّاعَةِ وَ هُوَ شَرُّ الْأُزْمِنَةِ نِسْوَةٌ كَاشِفَاتُ عَارِيَاتِ مُتَبَرِّجَاتٍ مِنَ الدِّينِ دَاخِلَاتٍ فِي الْفِتَنِ مَائِلَاتٍ إِلَى الشَّهَوَاتِ مُسْرِعَاتٍ إِلَى اللَّذَاتِ مُسْتَحِيلَاتٍ لِلْمَحْرَمَاتِ فِي جَهَنَّمَ خَالِدَاتٍ: در آخرالزمان، نزدیک به قیامت زنانی ظاهر شوند: بی‌حجابان برهنگان، خودآراستگان برای غیر شوهران، رهاکردگان آیین، داخل‌شدگان در آشوب‌ها، قائلان به شهوات و مسائل جنسی، شتاب‌کنندگان به سوی لذات و خوشگذرانی‌ها، حلال‌شمارندگان محرمات الهی، و واردشوندگان در دوزخ» (همان، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۳۹۰).

۳-۴) هویت اعتقادی

همان‌گونه که اشاره شد، هویت اعتقادی در ابتدایی‌ترین مرحله خود، با الگویذیری دینی از والدین شکل می‌گیرد و درون‌سازی می‌شود. حتی در تقسیم‌بندی ناخودآگاه فرانکل، دو نوع ناخودآگاه را برمی‌شمرد و می‌گوید که «محتوای ناخودآگاه تا آنجا گسترده شده است که خود به نوع غریزه‌مندی ناخودآگاه (غریزه ناخودآگاه؛ *Instinctual unconscious*)، روحانیت یا معنویت ناخودآگاه (ناخودآگاه روحی یا معنوی؛ *Spiritual unconscious*) افتراق پیدا کرده است (ر.ک؛ علوی‌نژاد، ۱۳۷۷: ۱۷۳-۲۰۶).

همه پژوهشگران تحول‌نگر به این باورند که آموزش - و از جمله آموزش دینی باید با سطح تحول عقلانی یادگیرنده منطبق باشد و هیچ آموزشی تا وقتی کودک به سطح سازمان روانی لازم برای درک آن نرسیده، مفید واقع نمی‌شود. لذا هویت اعتقادی نیز متناسب با درک کودک شکل

می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، دریافت مذهبی فراتر از افق ذهنی کودکان خردسال است و قبل از دستیابی به سطح تفکر مذهبی امکان‌پذیر نیست و تنها با شروع دوره عملیات منطقی است که نوجوان می‌تواند غیرمادی بودن خداوند را درک کند و فرضیه وجود عوامل غیرمادی را بپذیرد (ر.ک؛ دادستان، ۱۳۸۱: ۸۲ - ۱۰۳).

اگر محیط خانواده و اجتماع کودک به گونه‌ای صحیح، رشد و کمال هویت‌های کودک را راهنمایی کنند، منجر به بروز زندگی سالم و آکنده از رفتارهای ضد اجتماعی خواهد شد و در راستای شکل‌گیری گرایش‌های مطلوب دینی، وی را یاری خواهد کرد. نوجوانان و جوانان از راه‌های مختلفی تلاش می‌کنند که با خواسته‌های خود سازگار شوند و چیزی که در این فرایند شایان توجه است، رسیدن به یک هویت یکپارچه است. در غیر این صورت، آنها دچار انحراف خواهند شد. به عقیده مارسیا، وجود یا نبود بحران و تعهد می‌تواند برای ایجاد چهار وضعیت هویت، به صورت ضبط هویت، وقفه، پراکندگی و کسب هویت ترکیب شود (ر.ک؛ برک، ۱۳۸۵، ج ۲: ۵۸).

۵- گرایش‌های دینی هویت اعتقادی

هویت اعتقادی سالم فرد را در راستای عمل صحیح کمک می‌کند؛ برای نمونه، می‌توان به تأثیر هویت دینی در بروز رفتارهای صحیح و شایسته اشاره کرد که خداوند این گونه اشاره می‌کند: ﴿قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ...﴾ بگو: هر کس طبق روش (و خلق و خوی) خود عمل می‌کند ﴿(الإسراء/ ۸۴). «شاکله» در اصل از ریشه «شکل» به معنی «در بند کردن حیوان» است (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۴۶۲). در بعضی از روایات، «شاکله» به «نیت» تفسیر شده است. از امام صادق^(ع) روایت شده است: «وَ النَّبِيُّ أَفْضَلُ مِنَ الْعَمَلِ أَلَا وَ إِنَّ النَّبِيَّةَ هِيَ الْعَمَلُ ثُمَّ تَلَا قَوْلَهُ عَزَّ وَ جَلَّ ﴿قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ...﴾ يَعْنِي عَلَى نِيَّتِهِ» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۱۶)؛ یعنی «نیت افضل از عمل است. اصلاً نیت همان عمل است. سپس امام^(ع) آیه ﴿قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ...﴾ را قرائت فرمود و اضافه نمود: منظور از شاکله، نیت است» (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۳: ۵۸۱).

نمونه‌های دیگر این تأثیرپذیری را می‌توان در اعراب جاهلی مشاهده نمود. دوران جاهلیت دورانی است که مردم در آن دوران، دچار دو گونه نابسامانی و کمبود بودند؛ نابسامانی مادی و نابسامانی معنوی و اعتقادی.

الف) نابسامانی مادی

نابسامانی مادی مردم این است که از لحاظ رفاه در سطح پایینی قرار داشته باشند، چنان‌که در قرآن هم به نبودن رفاه و امنیت در دوران جاهلی اشاره شده است: ﴿فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ * الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِّنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِّنْ خَوْفٍ﴾ پس باید پروردگار این خانه را عبادت کنند * همان کس که آنها را از گرسنگی نجات داد و از ترس و ناامنی ایمن ساخت. ﴿(القریش / ۳ - ۴).

ب) نابسامانی معنوی و اعتقادی

نابسامانی و کمبود معنوی مردم عبارت است از گمراهی مردم. گمراهی یعنی حیرت که عبارت است از اینکه یک راه روشن در مقابل مردم نیست و دنبال یک چیز بالا و والایی نمی‌گردند (ر.ک؛ لکزایی، ۱۳۶۵: ۴۰-۶). ضعف‌های اعتقادی که در بدو تولد اعراب، همراه آنها بوده است و چنان ریشه در رفتار ناخودآگاهشان داشت که این رابطه را به ظاهر ناگسسته جلوه می‌داد. این رفتارها را می‌توان از کلام امیر مؤمنان علی^(ع) متوجه شد که می‌فرماید: «همانا خدا محمد^(ص) را برانگیخت تا مردمان را بترساند و فرمان خدا را چنان‌که باید، رساند. آن هنگام شما ای مردم عرب! بدترین آیین را برگزیده بودید و در بدترین سرای خزیده (فی شرّ دارٍ). منزلگاه‌تان سنگستان‌های ناهموار، همنشین‌تان گرزها مارهای زهردار. آبتان تیره و ناگوار، خوراکتان گلوآزار. خون یکدیگر را ریزان، از خویشاوند بریده و گریزان بودید و بت‌هاتان همه جا بر پا، پای تا سر آلوده به خطا بودید» (نهج‌البلاغه / خ ۲۶).

سؤال این است که چگونه گرایش‌های نامطلوب و کمبودهای اعتقادی و اینکه چگونه بُت‌پرستی به عنوان یک هویت اعتقادی تحت تأثیر محیط اجتماعی قرار دارد؟ از نظر روانی و فکری، بُت‌پرستی سرچشمه‌های دیگری نیز دارد که در آیات زیر به آنها اشاره شده است: ﴿...وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ

فِيهِ يَخْتَلِفُونَ... و آنها که غیر خدا را اولیای خود قرار دادند و دلیل‌شان این بود که اینها را نمی‌پرستیم مگر به خاطر اینکه ما را به خداوند نزدیک کنند، خداوند روز قیامت میان آنان در آنچه اختلاف داشتند داوری می‌کند ﴿الزمر/۳﴾؛ ﴿... وَطَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنْفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ... و گروه دیگری در فکر جان خویش بودند؛ آنها گمان‌های نادرستی - همچون گمان‌های دوران جاهلیت - درباره خدا داشتند...﴾ ﴿آل عمران/ ۱۵۴﴾. همان‌گونه که در این آیات مشاهده می‌شود، دو دلیل دیگر برای کمبودهای اعتقادی و گرایش‌های نامطلوب دینی آنها وجود داشته است که عبارتند از: ۱- پیروی از گمان‌های بی‌اساس و هوای نفس است. ۲- پندار و خیالی است که برای افراد نادان پیدا می‌شود و مقلدان چشم و گوش بسته، آن را از یکدیگر می‌گیرند و نسل به نسل منتقل می‌شود که این همان مسئله انتقال نظام ارزشی از درون خانواده به فرد و از یک نسل به نسل دیگر است. در حقیقت، اعراب جاهل به دو گونه تقلید و همانندسازی خود با محیط و نیاکانشان به درونی کردن رفتار جاهلی و بت‌پرستی می‌پرداختند. در تعریف همانندسازی گفته می‌شود تقلیدی که فرد خود را جای دیگری می‌نهد، همانندسازی می‌گویند (ر.ک؛ محسنی، ۱۳۷۱: ۳۰-۱). این نمونه‌ای از تأثیر محیط بر شکل‌دهی به هویت اعتقادی است.

گناه و اصرار بر آن موجب فساد عقیده و تکذیب آیات الهی می‌شود؛ زیرا از دیدگاه قرآن کریم، لجاجت و اصرار بر معصیت، حتی حسن تشخیص انسان را نیز عوض می‌کند؛ خوب را در نظر بد، و بد را در نظرش خوب جلوه‌گر می‌کند و در فرایند درون‌سازی ارزش‌ها، ضد ارزش‌ها را جایگزین ارزش‌ها می‌کند. خداوند می‌فرماید: ﴿قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا﴾ الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا * أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا: بگو: آیا به شما خبر دهیم که زیانکارترین (مردم) در کارها، چه کسانی هستند؟ * آنها که تلاش‌هایشان در زندگی دنیا گم (و نابود) شده؛ با این حال، می‌پندارند کار نیک انجام می‌دهند! * آنها کسانی هستند که به آیات پروردگارشان و لقای او کافر شدند؛ به همین جهت، اعمال‌شان حبط و نابود شد! از این رو روز قیامت، میزانی برای آنها برپا نخواهیم کرد! ﴿الکهف/ ۱۰۳-۱۰۵﴾ و ﴿ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوْأَىٰ أَن كَذَّبُوا

بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِؤْنَ: سپس سرانجام کسانی که اعمال بد مرتکب شدند به جایی رسید که آیات خدا را تکذیب کردند و آن را به مسخره گرفتند! ﴿(الرّوم/ ۱۰)﴾.

تفکر خیال‌پردازانه «جادویی اندیشیدن»، «افسانه‌پردازی» و «تفکر سحری» در کودکی وجود دارد، ولی با هدایت کودک و ارائه الگوهای اعتقادی صحیح می‌توان در جهت‌دهی هویت آنها نقش مؤثری را ایفا کند. تفکر جادویی و سحری به دوره کودکی اختصاص دارد. با رشد کودک، وی از خیال غیرعقلانی و تفکر جادویی و سحری فاصله گرفته است و به سمت معیار منطقی و عقلانی حرکت می‌کند و در دوره نوجوانی، جوانی و بزرگسالی به شیوه منطقی و عقلانی می‌اندیشد (ر.ک؛ باهنر، ۱۳۷۸: ۸۰).

۶- راهکارهای تشکیل هویت اعتقادی سالم

- ۱- در ابتدا باید کودکان را با توجه به ظرفیت پذیرشی که از خود نشان می‌دهند، در راستای کسب معنویات هدایت کرد.
- ۲- ایجاد فضای اعتقادی در خانواده و روابط خانوادگی برای زمینه‌سازی رفتارهای اعتقادی آینده کودک.
- ۳- دور نگه داشتن کودکان از فضاهای آلوده رسانه‌ای از تلویزیون گرفته تا اینترنت و ماهواره.
- ۴- ایجاد خودباوری در کودکان.
- ۵- آشنا کردن تدریجی کودک با مفاهیم جنسی و هر آنچه که نسبت به آنها کنجکاو است.
- ۶- کنترل ارتباط‌های فرزندان با دوستان و گروه‌هایی که می‌توانند در حکم گروه‌های مرجع باشند.
- ۷- ارائه الگوهای مناسب برای تربیت دینی و اعتقادی کودکان. الگوهای صحیحی را قرآن کریم برای همه جهانیان طرح می‌کند؛ از جمله رسول گرامی اسلام: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾: مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند. ﴿(الأحزاب/ ۲۱)﴾.

نتیجه‌گیری

بررسی سازوکار ناخودآگاه و تأثیر آن در جهت‌گیری‌های اعتقادی و تحوّل تدریجی رفتار که ریشه در درون‌سازی‌های کودک از محیط اطراف دارد، این یقین را می‌دهد که تکامل صحیح فرایند تشکیل هویت اعتقادی با ایجاد زمینه‌های مناسب تربیتی و ارائه الگوهای صحیح امکان‌پذیر است.

خانواده اولین فضا یا زمینه مؤثر بر درون‌سازی‌های اعتقادی است. در حقیقت، در میان نهادهای گوناگون اجتماعی، کانون مقدّس خانواده بهترین مجلای فرهنگ حاکم بر جامعه و محلّ ارضای نیازهای جسمانی و عاطفی و محلی برای تشکیل هویت اعتقادی افراد شناخته شده است. در صورتی که مکانیزم‌ها و مراحل رشد از طریق خانواده و محیط اطراف، مثبت طی شده باشد، کودکان به خودباوری می‌رسند. کودکان خودباور، شناخت روشن و مثبتی از هویت خویش دارند و می‌توانند با روش‌هایی متفاوت و مطلوب، خود را بررسی کنند.

نابسامانی‌های اعتقادی و تشکیل هویت‌های مجازی متأثر از تربیت غلط خانواده و فضاهای اجتماعی است که گروه‌های مرجع به عنوان اثرگذارترین آنها در تشکیل هویت فرد ایفای نقش می‌کنند. رسانه‌هایی که انواع آلودگی‌ها را به جوامع امروزی تزریق می‌کنند، موجب از هم پاشیدگی نظام روانی و اعتقادی افراد می‌شوند و این رسانه‌ها آلودگی‌ها را در فرایند درون‌سازی کودکان به صورت ارزش‌ها جلوه می‌دهند. از دیگر عوارض آنها، بلوغ زودرس کودکان و نوجوانان است که با ارائه راهکارهای دینی مؤثر بر تشکیل هویت و مراقبت از کودکان، هویت‌بخشی دینی به آنها می‌تواند از بروز آسیب‌های محتمل بر تشکیل هویت جلوگیری کرد.

منابع و مآخذ

قرآن کریم.

آزاد، حسین. (۱۳۸۹). *آسیب‌شناسی روانی بر اساس طبقه بندی DSM-IV-TR*. چاپ یازدهم. تهران: بعثت.

آموسی، مجنون. (۱۳۹۰). *هویت اجتماعی*. سایت آفتاب؛ www.aftab.ir.

ابن بابویه قمی (صدوق)، ابوجعفر محمد. (۱۴۰۴ق.). *من لا یحضره الفقیه*. چاپ دوم. قم: جامعه مدرسین.

- _____ . (۱۳۹۵ق). *کمال‌الدین و تمام النعمة*. چاپ دوم. تهران: اسلامیة.
- اسلامی، حسن. (۱۳۸۳). *اعتماد به نفس*. چاپ سوم. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(ع).
- باهنر، ناصر. (۱۳۷۸). *آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- بحرانی، هاشم. (۱۴۱۶ق). *البرهان فی تفسیر القرآن*. چاپ اول. قم: مؤسسه البعثة.
- بخشایش اردستانی، احمد. (۱۳۸۷). *از جریان آزاد اطلاعات تا خلسه رسانه‌ای*. چاپ اول. تهران: رشد علوم اجتماعی.
- برک، لورا. ای. (۱۳۸۵). *روانشناسی رشد*. ترجمه یحیی سیدمحمدی. چاپ چهارم. تهران: ارسباران.
- پاینده، حسین. (۱۳۷۳). «خود و نهاد». *مجله ارغنون*. شماره ۳. صص ۲۲۹-۲۵۲.
- توسلی، غلام‌عباس و رضا فاضل. (۱۳۸۱). «تأثیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی و رفتار والدین بر اثربخشی خشونت تلویزیونی بر رفتار کودکان». *مجله جامعه‌شناسی ایرانی*. شماره ۱۵. صص ۱۱۵-۱۴۷.
- حاجی حسینی، حسن. (۱۳۸۱). «بحران هویت و انحرافات اجتماعی». *مطالعات راهبردی زنان*. شماره ۱۷. صص ۳۴-۴۹.
- حرانی، حسن بن شعبه. (۱۴۰۴ق). *تحف العقول*. چاپ اول. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*. قم: مؤسسه آل‌البتیت^(ع).
- خوانساری، آقا جمال‌الدین. (۱۳۶۶). *شرح آقا جمال‌الدین خوانساری بر غررالحکم*. تهران: دانشگاه تهران.
- دادستان، پری‌رخ. (۱۳۸۱). «دین و تحول شناخت». *علوم روان‌شناختی*. شماره ۱ و ۲. صص ۸۲-۱۰۳.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). *مفردات الفاظ القرآن*. تحقیق صفوان عدفان داودی. چاپ اول. دمشق: دارالقلم.
- ربّانی، جعفر. (۱۳۸۱). *هویت ملی*. چاپ اول. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- رشیدپور، مجید. (۱۳۸۵). *چگونه باید بود*. چاپ پنجم. تهران: انجمن اولیا و مربیان.
- زنده‌باد، خدیجه. (۱۳۸۹). *چگونه خود را بسازیم*. چاپ اول. قم: موعود اسلام.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۰). *فرهنگ واژگان علوم اجتماعی*. چاپ اول. تهران: انتشارات کیهان.

- سبحانی جو، حیات‌علی. (۱۳۸۳). «هویت و بحران هویت». *مجله پیوند*. شماره ۳۰۵. صص ۳۸-۴۹.
- سیاسی، علی‌اکبر. (۱۳۸۳). *روانشناسی شخصیت جوان از دیدگاه قرآن. حدیث و علم روانشناسی*. چاپ دوم. تهران: فرهنگ مکتوب.
- شریف الرضی، محمد بن حسین. (بی‌تا). *نهج البلاغه*. تصحیح صبحی صالح. قم: انتشارات دارالهجرة.
- صانعی، سید مهدی. (۱۳۷۹). «نقش الگوسازی در رشد و سقوط انسان». *مطالعات اسلامی*. شماره ۴۷ و ۴۸. صص ۷-۲۴.
- طبرسی، حسن بن فضل. (۱۳۷۰). *مکارم الأخلاق*. چاپ اول. قم: شریف رضی.
- علوی‌نژاد، سید حیدر. (۱۳۷۷). انسان سالم از دیدگاه قرآن. *پژوهش‌های قرآنی*. شماره ۱۵ و ۱۶. صص ۱۷۳-۲۰۶.
- فیضی، زهرا. (۱۳۸۵). *مبانی روانشناسی احساس و ادراک*. چاپ دوم. تهران: پشتون.
- قریشی‌راد، فخرالسادات. (۱۳۷۶). *دیدگاه اسلام در روانشناسی رشد*. چاپ اول. تبریز: احرار.
- کجباف، محمدباقر. (۱۳۸۴). «رفتارشناسی جنسی در اندیشه دینی». *مطالعات راهبردی زنان*. شماره ۲۷. صص ۱۱۳-۱۴۴.
- کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۳۶۵). *الکافی*. چاپ اول. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- لکزایی، نجف. (۱۳۷۹). «پیامبر اسلام و شیوه گذر از جامعه جاهلی به جامعه اسلامی». *مجله تاریخ*. شماره ۱. صص ۶-۴۰.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۶۵). *بحار الأنوار*. چاپ دوم. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- محسنی، نیک‌چهره. (۱۳۷۱). «ارزش‌های اخلاقی در نظریه‌های مختلف روان‌شناسی». *مجله روانشناسی و علوم تربیتی*. شماره ۵۱. صص ۱-۳۰.
- میننجر، ویلیام و همکاران. (۱۳۷۰). *رشد شخصیت و بهداشت روان*. چاپ سوم. تهران: انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران.
- مینوچین، سالوادور. (۱۳۷۵). *خانواده و خانواده‌درمانی*. ترجمه باقر ثنائی. چاپ اول. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- حلی، ورام بن اَبی‌فراس. (۱۳۷۶). *تنبيه الخواطر و نزهة النّوادِر (مجموعه ورام)*. چاپ اول. بیروت: انتشارات دارصعب و دارالتعارف.

وندی، شلت و لی دموس نانسی. (۱۳۸۹). *دختران به عفاف روی می‌آورند*. ترجمه سمانه مدنی و پریسا پورعلمداری. چاپ اول. قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.

هارتلی - بروئر، الیزابت. (۱۳۹۰). *ایجاد انگیزه در کودکان*. ترجمه احمد ناهیدی. چاپ اول. تهران: جوانه رشد.

هاو، مایکل. (۱۳۸۰). *به سوی نبوغ*. ترجمه مهدی مجردزاده کرمانی. چاپ اول. تهران: مؤسسه فرهنگی راه‌بین.